

۱ - اوضاع طبیعی ورامین

دشت ورامین در جنوب شرقی تهران واقع شده و دارای بهترین اراضی کشاورزی است .

از شمال به لواسان و از جنوب بکویر و میله و از مغرب به غار و فشاویه (پشاپویه) و از مشرق به خوار (گرمسار) محدود است . از سطح دریا بیش از نهصد و پنجاه متر ارتفاع دارد ، در شمال آن سلسله جبال البرز و قله زیبای دماوند جلوه گری مینماید و در جنوب و مخصوصاً جنوب غربی آن تپه های مرتفعی در انتهای افق خود نمائی میکند ، اراضی آن رسوبی و پر قوت است و استعداد کافی برای کشت و زرع دارد ولی در باره ای از نقاط یا بواسطه وجود خاک رس^۱ کوره های آجرپزی جای کشاورزی را گرفته و یا زمین های باطلای و شورزار مزاحمتی در این راه ایجاد کرده است .

بطور کلی آب و هوای آن معتدل خشک (بُری) است ، در تابستان بواسطه وزش پادهای محلی درجه حرارت گاهی اوقات از ۴۰ درجه سانتیگراد تجاوز میکند و از تهران گرمتر میشود و در زمستان میزان الحرارة بچندین درجه زیر صفر میرسد و سوز سرمای آن بواسطه فضای باز و آزادی که دارد بسیار زیاد است . فصل های بهار و پاییز آن ملایم و معتدل میباشد .

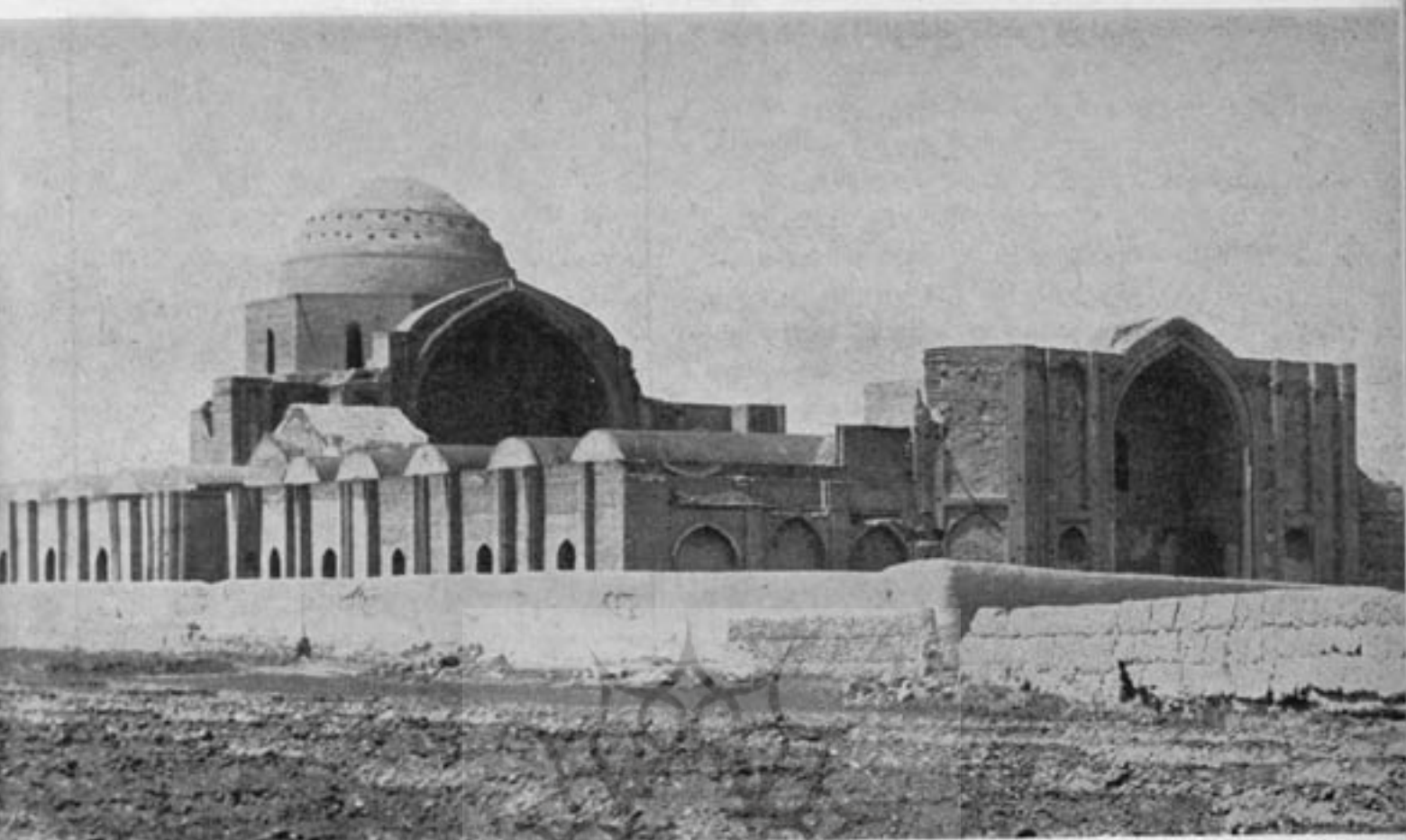
عمران و آبادی ورامین تا حدود زیادی وابسته به رودخانه جاجرود^۲ است ، این رود که دارای دو شعبه مهم میباشد از کوه های البرز سرچشمه میگیرد ، شعبه اول از کوه کلون بسته نزدیک گرمابدر سرچشمه گرفته و از نواحی کوهستانی میگذرد ، شعبه دوم که موسوم به رود تار است از دریاچه تارمومج در ارتفاع ۲۹۰۰ متری بسوی شعبه اول سرازیر میگردد و پس از گذشتن از دماوند و گیلیارد و حصار ، در محل یوردشام بشعبه اول ملحق گشته و بالاخره به پارچین میرسد ، کمی پایینتر از پارچین در محل کبودگنبد رودخانه جاجرود بچندین شعبه تقسیم شده و شعبات آن در تمام دشت ورامین جریان مینماید . بیشتر دهات و قصبات ورامین از آب جاجرود برای کشاورزی استفاده مینمایند و برخی از آنها از قدیم دارای حقابه بوده اند که هنوز هم از آن برخوردارند ، با اینکه آب رودخانه اثرات حیاتی در امر کشاورزی ورامین دارد متأسفانه تاچندی قبل قسمت عمده آب جاجرود به در میرفت خوشبختانه با ایجاد سد فرحناز (لار و لتیان) کمک زیادی در طریق کنترل

۱ - در اطراف قصبه قرچک سر راه تهران - ورامین .

۲ - مؤلف ترجمه القلوب گوید :

رودخانه جاجرود از کوه دماوند برمیخیزد و بولایت ری میریزد ، ورامین جزو ری بوده و قریب چهار جوی از آن بردارند و اکثر ولایت ری را آب از آنست و در بهار هرزه آبش در مغاره کویر منتهی شود .

بُخارا فی تاریخ وری



نمای بیرونی مسجد جامع ورامین .

واهمیت زیادی یافت .
 لسترنج انگلیسی^۴ مینویسد: «برای اینکه ری بیش از آن ویران
 مرکزی تومان یعنی مقر تشکیلات اداری و مالی ایالت گردید
 نشود غازان خان دستور داد عماراتی چند در آن ایجاد شود ولی
 باز هم ری آباد نشد زیرا اهالی آن به دوشهر ورامین و تهران
 که نزدیک ری بودند و مخصوصاً بورامین که هوایش از ری
 بهتر بود نقل مکان کرده بودند .»
 در آغاز قرن هشتم هجری^۵ ورامین آبادترین شهر ایالت
 ری بود .

حمدالله مستوفی قزوینی در کتاب ترهة القلوب راجع
 به ورامین و ترقیاتی که نصیب آن شده اینطور مینویسد :
 «ورامین در مقابل دیهی بوده است و اکنون قصبه شده و
 دارالملک آن تومان گشته طولش از جزایر خالدات عترکه و

آب رودخانه و گسترش اراضی فلاحتی بعمل آمده است .
 طول تقریبی بخش ورامین از شمال بجنوب به ۶۰ و
 عرض آن از مشرق بمغرب به ۳۶ کیلومتر میرسد . محصولات
 عمده ورامین عبارتست از غلات ، صیفی جات ، پنبه ، میوه جات .

۲- تاریخ شهر ورامین

ورامین تا قبل از استیلای مغول بر ایران ناحیه کم اهمیتی
 بود و شهرت چندانی نداشت و جزئی از ایالت ری (راگا- راجس)
 محسوب میشد ، وجه تسمیه آن معلوم نیست ، لرد کرزن گوید^۶
 در وندیدنا نام دوم محل بنام راجیس و دازنا ذکر شده که شاید همان
 ری و ورامین باشد ، آنچه از فحوای کلام مورخان و جغرافی
 نویسان پیش ازایلغار مغول میتوان درک کرد اینست که در زمان
 حکومت آل بویه ورامین قصبه بزرگی بوده و از نواحی فلاحتی
 عمده بشمار میآمده است ، پس از خرابی و نابودی ری ، ورامین

۳- جهانگردی در ایران .

۴- جغرافیای تاریخی ایران .

۵- زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده الجایتو .

عرض از خط استوا له کله ، در آب و هوا خوشتر از ری است و در محصول پنبه و غله و میوه ها و مانند آن ، اهل آنجا شیعه اثنی عشریند و تکبتر بر طبعشان غالب بود .

مؤلف کتاب هفت اقلیم دربارہ ورامین مینویسد : « ورامین زمان پیشین حاکم نشین بوده و قلعه درغایت حصانت داشته الحال بعد از تهران محلی در ری از آن شگرفترینست ، و از میوه جات انگورش بر تمام ری رجحان دارد و مضافات نیک چنانچه یکی از آن مواضع خاوه^۶ است که حاصلش قریب سه هزار تومان است و بیشتر ارتفاعات یک من صدمن میشود . » در اواخر قرن هشتم و آغاز قرن نهم هجری سیر قهرائی ورامین آغاز گردید زیرا در این زمان تیموریان بقره و غلبه بر ایران مسلط شده و خرابی و نابودی و کشتار را با خود بارمغان آورده بودند ! کلاویجو^۷ جهانگرد معروف که در سال ۱۴۰۵ میلادی از ایران دیدن کرده است در سفرنامه خود مینویسد : « ورامین شهر بزرگی است که قسمت اعظمش خالی از سکنه شده است . »

جغرافی نویسان قرن دهم ورامین را بعنوان قریه ذکر میکنند معلوم میشود که در این دوره بکلی اهمیت سابق را از دست داده است .

مورخین مینویسند زمانیکه کریمخان زند در حال احتضار بود آقا محمدخان قاجار که در خدمت وی بسر میبرد بیهانه شکار از شیراز سرعت خارج شد و پس از گذشتن از اصفهان و قم به ورامین رسید و در اینجا ایلات پراکنده قاجار را جمع آوری کرده و تحت فرماندهی خود باسترآباد برد . مادام دیولافوآ که به همراه شوهرش مارسل چندین بار در زمان سلطنت ناصرالدین شاه بایران آمده است از ورامین دیدن کرده و شرح مبسوطی راجع بمسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی و همچنین ابنیه و آثار تاریخی آن در سفرنامه خود ذکر کرده است که ما بطور اختصار بذکر برخی از آن میپردازیم :

« پس از چهار ساعت راه پیمائی و پایمال کردن محصول مزارع و شنیدن نامالایمات از زارعین ، بام مخروطی شکل و گنبد مینائی مسجدی که در میان مزارع سر بر آورده بود از دور پدیدار گردید ، اینجا دهکده ورامین است کمی بعد بآنجا رسیده و در میان باغها که دیوارهای گلی داشتند داخل شده در این باغها درختان میوه از قبیل گیلاس و زردآلو و گوجه و هلو ، جنگل انبوهی تشکیل میدادند ، پسران کوچکی بر بالای درختان توت کهنسال رفته و توت های سفید و سیاه را که بدرستی تخم کبوتر بود با دست چیده و میخوردند دهکده ورامین در دشت پر حاصلی واقع شده اما کاروانسرائی ندارد که بتوان در آن منزل کرد . خوشبختانه نظر بتوصیه دکتر تولوزان^۹ توانستیم در خانه کدخدای فرود آئیم ... »

در زمان انقلاب مشروطیت و بازگشت مجدد محمدعلیشاه بایران ، آخرین صحنه جنگ قشون استبداد و قوای حکومت مشروطه در نزدیکی ورامین اتفاق افتاد که منجر بدمتگیری ارشدالدوله فرمانده قوای محمدعلیشاه و تیرباران او توسط سپاهیان بیرمخان گشت .

هانری رنه دالمانی جهانگرد فرانسوی که در همین زمان بایران آمده بود در کتاب خود در خصوص ورامین مینویسد : « کمی بعد وارد نشت ورامین شدیم در هر قدم نهر آبی بود که از کوهستان سرازیر میشد بمزارع سبز و خرمنی برخورداریم . زارعین در مزارع مشغول کار بودند ما بتمشای یک قرقی مشغول شدیم که در هوا پرواز میکرد و ناگهان بزمین فرود آمد و مرغی را شکار کرد . دشت مانند تابلوی دورنمایی است که گوئی بدست نقاشان ژاپنی با نقش های برجسته طلائی مطلوبی در زمینه سیاه ساخته شده است ، از دور دهکده ای دیده میشود که در دامنه کوه واقع است و از تابش اشعه خورشید منظره خاصی دارد »

در زمان سلطنت رضاشاه کبیر ورامین مجدداً یکی از مراکز مهم کشاورزی ایران گردید ، تأسیس کارخانه های قندسازی و روغنکشی و پنبه پاک کنی براهیت آن افزود . در سنوات اخیر بواسطه اصلاحات ارضی و تشکیل شرکت های تعاونی روستائی و حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق و ایجاد و اصلاح طرق ارتباطی و تأسیس مدارس کشاورزی و آشنائی دهقانان بامسول جدید فلاحات توسط مروجین و ایجاد دانشسرای عالی سیاه دانش و اقدامات دیگر وضع این ناحیه را نسبت بسابق بکلی تغییر داده است .

۳- بناهای تاریخی

اکثر بناهای تاریخی ورامین متعلق بدوره مغول است ، چون همانطوریکه قبلاً ذکر شد در زمان حکومت ایلخانان بود که ورامین جای ری را گرفت و سرعت رو بترقی نهاد و بناهای متعددی در آن ایجاد گشت که پس از گذشت هفت قرن هنوز زیبایی و ابهت خود را به همراه دارد تعداد زیادی از این بناها در طول زمان بواسطه بی توجهی مردم بکلی نابوده شده و اکنون حتی از خرابه های آنها هم اثری بچشم نمی خورد . مرحوم صنیع الدوله در کتاب مرآت البلدان از دو مسجد معروف نام

۶- خاوه قصبه بزرگی است در جنوب ورامین .

۷- یا کلاویجو .

۸- هنوز هم دارند .

۹- طبیب دربار ناصرالدین شاه .

میبرد که تا هشتاد سال پیش برپا بوده و حتی بعضی از کتیبه‌های آنرا هم ذکر کرده است متأسفانه اکنون اثری از این دو مسجد برجای نمانده و حتی در خرابه‌های آن بناهای جدیدی احداث نموده‌اند. در امامزاده یحیی و رامین کاشی‌های ذقیمتی وجود داشته که بنا بر قول یکی از سیاحان اروپائی در دوره قاجاریه یکی از وزراء تعداد چند صندوق از همین کاشی‌ها را برای فروش پروسیه برده است! شکی نیست که در دوره قاجاریه بواسطه اغتشاشات داخلی و بحسranهای سیاسی و اقتصادی و بی‌میلی و بی‌علاقگی شاهان این سلسله نه تنها اندک توجهی باینگونه آثار گرانبها نشده بلکه در تخریب و نابودی و یا پوشاندن کاشی-کارهای ظریف بوسیله گچ و غیره اهتمام بلیغ از خود نشان داده‌اند. سیاحان و باستانشناسان خارجی که با اهمیت و ارزش اینگونه آثار واقف بوده‌اند از موقعیت مناسبی که در اختیار داشته‌اند سوء استفاده کرده و قسمتی از آثار عتیقه مارا به یغما برده‌اند. پروفیسور آرتور پ مینویس: «بناهای عالی قدیمی در ایران دیدم که در ظرف دودقیقه که مشغول مشاهده آنها بودم آجرو یا خشتی از آن بر زمین میافتاد و این در واقع مثل قطره خونی بود که از پیکر آدمی بر زمین ریزد، در ایران بعضی از زیبایی‌های اینیه تاریخی دنیا را مشاهده کردم، تکلیف هر فرد ایرانی است که با هر قیمتی شده نگذارد این آثار روبانهدام گذارده و ازین برودیکی از اموریکه باعث جاودانگی ایران گشته صنایع ظریفه آنت وظیفه شماس که با کمال دلوسزی آنچه را که برجامانده است نگهداری کنید...»

بناها و آثار تاریخی و رامین عبارتست از: مسجد جامع - برج علاءالدین - امامزاده یحیی - قلعه ایرج - قلعه نارین - مقبره سیدشاه حسین - مقبره سیدفتح‌الله - مقبره کوكب‌الدین - امامزاده جعفر و تعداد زیادی قلعه‌های کوچک و بزرگ و امامزاده‌های گمنام در گوشه و کنار و رامین

الف - مسجد جامع

مسجد جامع مهمترین بنای تاریخی و رامین است که خوشبختانه قسمت اعظم آن هنوز باقی است بنای آن در ایام سلطنت سلطان محمد خداپسند (اولجایتو) آغاز شد و در عهد فرزند و جانشین وی سلطان ابوسعید بهادر بیابان رسید. بخشی از آن در سال ۷۲۲ هجری (۳ - ۱۳۲۲) و قسمتی دیگر در سال ۷۲۶ هجری (۶ - ۱۳۲۵ میلادی) خاتمه یافت. در سال ۸۱۵ هجری (۱۳ - ۱۴۱۲ میلادی) در زمان سلطنت میرزا شاهرخ گورکانی قسمتی از این مسجد تعمیر شده است. مسجد جامع و رامین بطرح چهار ایوانی ساخته شده و سردر جلوی آن با کاشی و آجر قهوه‌ای کمرنگ تزیین یافته است. ساختمان مسجد شامل سردر مخروطیه و طاق‌نماهای اطراف و دو رواق

شمالی و جنوبی و شبستان و ایوان و گنبد عظیم آجری و بناهای جنبین شبستان میباشد. در بالای سردر مسجد کتیبه کاشی معرقی بطول ۲٫۶۰ و بعرض ۱٫۳۰ قرار دارد که قسمتی از کاشیهای قیروزقام آن از بین رفته و درست خوانا نیست. نگارنده فقط توانسته است کلماتی مانند معظم و خاقان‌الاعظم را در سطر اول و محمدین محمد را در سطر دوم بسختی تشخیص دهد ولی مؤلف مرآت‌البلدان در حدود هشتادسال قبل همه عبارات کتیبه را که در آن زمان سالم مانده بود خوانده و در کتاب بدین شرح ذکر کرده است.

«ذکر القدیم اولی بالتقدیم ولی هذه العماره الجامع و سایر المنازل الاعلی مولی السلطان المعظم و الخاقان الاعظم و مالک الرقاب الامم و سلطان السلاطین العرب و العجم ابوسعید بهادرخان خلدالله سلطانه العبد المضعیف محمدین محمدین منصور القوهدی تقبل الله لمرضاته سعی و لسه الخلف الصالح الحسن بن محمد سلمه الله تعالی و سعید فی شهر سنه ۷۲۲...»

در کتاب مرآت‌البلدان ذکر شده است که کتیبه بخط ثلث و برنگ سفید برجسته است در صورتیکه در «کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران» بخط ثلث سیاه‌رنگ در زمینه لاجوردی یادآوری کرده است. نگارنده در این مورد دقت کردم و مشاهده نمودم که کتیبه برنگ فیروزه‌ای و در زمینه بنفش است...

قسمت دوم مسجد شامل ده طاقنمای کوچک و یک طاق بزرگ در وسط است که بر رویهم راهروی مسقفی را تشکیل میدهند. در قسمت طاق بزرگ در خروجی شرقی مسجد قرار دارد. در این طاقنماها هیچگونه کاشی بکار نرفته و تزیینات داخلی آن فقط اختصاص بقسمت فوقانی آن دارد که اسامی مقدمه الله و محمد و علی بنحو جالبی در سه ست دیده میشود. بین طاقنماهای چهارم و پنجم در جهت جنوب مسجد کتیبه‌ای باین شرح روی دیوار پنجم میخورد «عمل علی قرونی خدای پیامبران» معلوم نیست این شخص فقط در این قسمت بنای مسجد و تزیینات آن شرکت داشته و یا معمار اصلی بنا میباشد... در برخی از حواشی همین طاق‌نماها گاهی کلمه الله در وسط است و زمانی نام محمد، این طاق‌نماها همگی در ضلع شرقی مسجد قرار دارند و در ضلع غربی هیچگونه بنائی دیده نمیشود و بعضی از محققین حدس میزنند که مدرسه صفویه در این قسمت قرار داشته است که بعدها بکلی از میان رفته^{۱۰}.

قسمت سوم شامل گنبد عظیم آجری و بناهای مجاور آنت ارتفاع این گنبد طبق محاسبه دانشجویان دانشکده

۱۰ - چندی قبل کارگرانی که از طرف اداره کل باستانشناسی در این قسمت مشغول حفاری بودند در عمق تقریباً دو متری زمین پی ساختن مخروطی را یافتند.



طاق بزرگ مسجد جامع

در کتیبه ایوان آیه کریمه یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة الی لعلکم تفلحون ذکر شده است .
 قسمتی از تزیینات داخلی گنبد که کاشی فیروزه رنگ بوده از بین رفته و از تزیینات خارجی ایوان هم کمتر اثری برجای مانده است .

در فضای زیر گنبد محرابی است که گجبری مفصلی دارد بعقیده دکتر کریستی ویلسن " این محراب در زمان

هنرهای زیبا تا سطح زمین ۲۳٫۵ متر است قطر داخل گنبد ۱۰٫۵ متر و ارتفاع طاق سفلی گنبد تا کف به ۱۷٫۲۵ متر میرسد .

در کتاب مرآت البلدان اندازه های مختلف صحن اینطور ذکر شده است «صحن مقصوره مربع مستطیل و یازده ذرع و نیم طول و ده ذرع عرض آن میباشد» .

کتیبه داخل صحن بخط ثلث و از گچ است که پس از ذکر بسم الله الرحمن الرحیم سوره یسبح الله است تا آیه شریفه ولا یتمنونه ابدأ بما قدمت ایدیهم والله علیم بالظالمین .

۱۱ - مؤلف کتاب تاریخ صنایع ایران .

شاهرخ موقع تعمیر مجدد ساخته شده ولی کاملاً تمام نشده است.

در داخل شبستان دولوحه از گچ ساخته شده که خوشبختانه مطالب آن بخوبی خوانا است. در لوحه سمت راست نام میرزا شاهرخ که مسجد در زمان او تعمیر شده دیده میشود و در طرف چپ نام تعمیر کننده آن یوسف خان (البته یوسف خان را یوسف خوان نوشته اند) و در تاریخ شهر محرم سنه ۸۰۰ خوانده میشود چون میرزا شاهرخ در سنه ۸۰۸ سلطنت رسیده معلوم است که بعد از ۸۰۰ عدد دیگری بوده و چون با گچ ساخته بودند محو شده است. اداره کل باستان شناسی در راه تعمیر و احیای این مسجد و کشف قسمت های ناشناخته و نامرئی آن که در زیر خروارها خاک پنهان شده است اقداماتی انجام داده است و تاکنون موفق به پیدا کردن حوض بزرگ داخل محن و پایه های اصلی و حوض کوچک روبروی سردر اصلی شده است. حوض بزرگ بشکل کثیر الاضلاع هشت ضلعی میباشد و پاشویه آن بشکل مستطیل است، در کف حوض منفذی دیده میشود که احتمالاً محل خروج بوده است. قسمتی از دیوارهای غربی مسجد را از نو ساخته اند و در سایر قسمتها نیز کارهایی انجام شده است.

ضمناً محوطه مسجد بوسیله دیوار محصور شده و ورود افراد بمنظور بازدید از قسمت های مختلفه آن جز با خرید بلیط بمبلغ ده ریال در روزهای عادی ممکن نیست این اقدام واقعاً مفید بود چون سابقاً همه میتوانستند هر وقت که بخواهند وارد مسجد شوند بدون اینکه واقعاً قصد بازدید از آنرا داشته باشند چه با جنایاتی هم اتفاق می افتاد^{۱۳}.

ب - برج علاءالدین

برج علاءالدین بفاصله کمی در شمال مسجد جامع و در ضلع جنوب شرقی میدان اصلی ورامین قرار دارد و شامل دو قسمت است. قسمت اول که استوانه ای شکل ترک دار است بخش اصلی بنا را تشکیل میدهد و داری دو در بزرگ در جنوب و شمال است. در ضلع غربی همین قسمت تقریباً در ارتفاع شش متری راه پله ای تعبیه شده که میتوان بدان وسیله بقسمت وسعای برج راه یافت. آنهاستیکه برای جمع آوری فضولات کبوتران از این معبر تنگ گذشته اند میگویند که گنبد مخروطی کوچکی روی این قسمت را پوشانیده که مشابه گنبد مخروطی اصلی برج است و میتوان آنرا دور زد. در منتهی الیه و حد فاصل بخش استوانه ای و گنبد کتیبه ای دورادور این قسمت قرار دارد که بخط کوفی است و مزین بکاشی فیروزه ای میباشد متأسفانه بعلمت عدم توجه و مراقبت قسمت اعظم آن مخصوصاً در سمت

جنوب بکلی از بین رفته و بقیه هم چندان خوانا نیست. قسمت دوم شامل گنبد مخروطی شکل بزرگی است که ارتفاع آن به ۵ متر میرسد و دارای منافذی است که پناهگاه خوبی برای پناهندگان است قسمت فوقانی مخروط بوسیله خطوط هندسی زیبایی ترین یافته است و نوک آن معمولاً آشیانه همیشگی لک لک ها میباشد.

نکته مهم هنری این بنا ترین خارجی برج است که با کاشی های فیروزه ای و شمشه های آجری (اختلاط رنگ فیروزه و لاجورد و آجری) زینت خاصی باین برج داده است^{۱۴}.

تاریخ بنای برج سنه ۶۸۰ قمری است^{۱۵} و معلوم نیست وجه تسمیه آن به علاءالدین روی چه اصلی است چون عندهای آنرا مقبره سلطان علاءالدین خوارزمشاه میدانند در صورتیکه در سنه فوق الذکر ایلخانیان بر ایران حکومت میکردند و سالها از انقراض خوارزمشاهیان میگذشت در داخل برج هم که اکنون ائمار اداره آموزش و پرورش است اثری از مقبره موجود نیست تا بتوان اظهار عقیده ای در این باره نمود. مردم ورامین این بنا را برج سید علاءالدین مینامند و در افواه شایع است که این بنا را زیاریان ساخته اند و باز گفته میشود که قرینه گنبد قابوس است و از فواصل دور بخوبی مشاهده میشود و راهنمای خوبی برای کاروانیان بوده است. سبک و ساختمان برج حد واسط بین معماری زمان مغول و دوره آق قویونلو است.

در سفرنامه دیولافوا تصویری از برج علاءالدین وجود دارد که بصورت دیگری است یعنی فقط قسمت استوانه ای رسم شده و از مخروط خبری نیست.

این برج تاریخی که در عداد مقابر قدیمی میباشد احتیاج بتعمیرات اساسی دارد.

ج - بقعه امامزاده یحیی

بقعه امامزاده یحیی در جنوب شرقی ورامین در محله کهنه گل در قبرستانی واقع شده و فاصله آن بخط مستقیم تا مسجد جامع بسیار کم است تاریخ بنای آن محرم سال ۷۰۷ هجری قمری است و بنای آنرا ابو محمد امین زید ذکر کرده اند راه وصول با امامزاده کوره راه باریکی است که از میان مزارع گندم و صیفی جات میگذرد. سبک معماری بنا شباهت زیادی

۱۲ - هوشنگ امینی که از جانبیان بنام بود در داخل همین مسجد مرتکب جنایت شد که بعدها کشف گردید.

۱۳ - نقل از کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران.

۱۴ - در کتاب تاریخ صنایع ایران تاریخ بنا سال ۶۸۸ هجری مطابق با ۱۲۸۹ میلادی ذکر شده است.

بمسجد جامع و برج علاءالدین دارد مدخل و در ورودی بقعه رو بشمال است. سیاحتیکه سابقاً از امامزاده یحیی بازدید کرده‌اند شرح مبسوطی راجع بکاشیهای شفاف و زیبا و کتیبه برجسته آن بخط ثلث و محراب در سفرنامه‌های خود نوشته‌اند و حتی کاشیهای آنرا بی‌نظیر و بی‌همتا ذکر کرده‌اند متأسفانه اکنون جز کتیبه گچبری اثری از آنهمه نفایس موجود نیست. این بقعه دارای گنبد آجری است که در خارج کاهگلی و در داخل فاقد کاشی است و اکنون شکافها و ترک‌های خطرناکی برداشته است. دیواره گنبد دارای هشت دریچه مشبک است، داخل صحن تقریباً مربع شکل و دارای چهار کُنج بصورت طاق‌نما میباشد، در قسمت پائین دیواره صحن کتیبه گچبری برجسته درزمینه گل و بوته دیده میشود که از محراب در ضلع جنوبی پس از ذکر بسم‌الله الرحمن الرحیم سوره شریفه یسبح‌الله در سراسر دیواره صحن قید شده است. پائین‌تر از گچبریها کاشی‌های بزرگ و زیبایی بکار رفته که دارای جلای فلزی میباشد ولی چندان قدمتی ندارد^{۱۵}.

در قسمت جنوبی بقعه دیواره و سردر جدیدی احداث کرده‌اند که فقط بمنظور نگهداری و جلوگیری از ریزش بنا است ...

در سفرنامه مادام دیولافوآ راجع به بقعه امامزاده یحیی مطالبی شرح زیر مذکور است:

«امروز بدیدن امامزاده یحیی که یکی از بناهای خوب این ناحیه است رفتم این امامزاده تنها بنائی است که محفوظ مانده و در آن باستانیای مواقع مخصوص زیارت بسته است، در داخل آن کاشی‌های بسیار عالی که دارای انعکاس فلزی هستند بکار رفته است، قسمتی از این کاشیها را کنده و در تهران بیهای گزافی فروخته‌اند و بهمین جهت پس از سرفقت، اشخاص بیگانه و غیر مسلمان از دخول در این مکان مقدس ممنوع شده‌اند علاوه این ممنوعیت جنبه دیگری هم دارد و آن اینست که مقبره امام زادگان در نظر مسلمانان مهمتر از مساجد میباشد، خوشبختانه از ورود ما ممانعت نکردند بنای امامزاده یحیی قدیمی و چندین بار تعمیر یافته است این بنا در قرن دوازدهم میلادی در دوران سلطنت سلجوقیان برپاشده و در داخل آن بنای مصلح و نوک تیزی است که از احوث شکل مانند گنبد اتابک نخجوان است و در دوره غزنویان ساخته شده و خوب معلوم است که بنای تازه را با این بنای قدیمی هم‌آهنگ کرده و ساختمانهای قدیم و جدید را بهم متصل ساخته‌اند. کاشیهای محراب که رنگ فلزی صیقلی دارند پس از تعمیر ثانوی برای تزیین در آنجا بکار برده شده و برای بکار بردن آنها مجبور شدند که یک قسمت از تزیینات قدیمی را خراب کنند. در اینجا ما یک نکته اساسی تاریخی برمیخوریم که زمان ایجاد این کاشیهای فلزی را بطور دقیق معین میکند

میتوانیم بگوئیم که هیچ‌جا کاشیهای صاف‌تر و درخشان‌تر از کاشیهای امامزاده یحیی پیدا نخواهد شد، این کاشیهای فلزی رنگ سه دسته‌اند دسته اول کمی زردرنگ است و دسته دوم رنگ فلزی برنج مانندی دارد و دسته سوم تیره‌تر است و مانند مس قرمز میباشد.»

د - قلعه ایرج

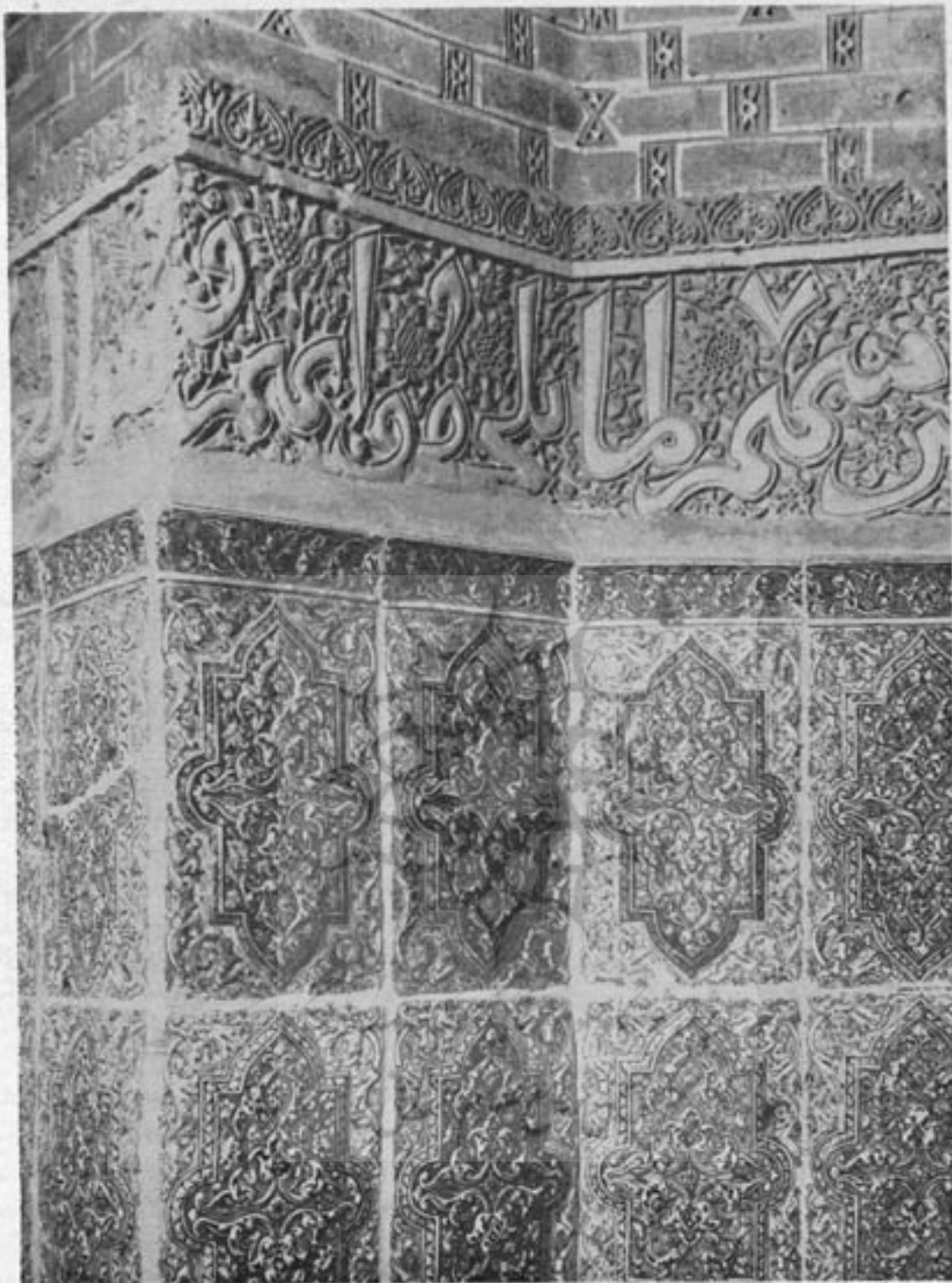
قلعه گبری یا قلعه ایرج در شمالشرقی ورامین بر سر راه ورامین - جلیل‌آباد البته بفاصله یک کیلومتری جاده اسفالتی واقع شده است از شمال بقریه یوسف رضا و از جنوب بدعکده عسگرآباد و از سمت مشرق بدو قریه چال‌تاسیون و ده ماسین و از مغرب بدو دهکده پلنگ‌دره و کلاته محدود است و یکی از قلاع بزرگ ایران محسوب میشود که خوشبختانه قسمت اعظم آن از گزند حوادث مصون مانده است ارتفاع متوسط دیواره افزایش میباشد. از بالای مسجد جامع ورامین دیوارهای خشتی و کلی قلعه ایرج بوضوح مشاهده میشود، در پیرامون قلعه بفاصله هر صد متر سنگرهائی دیده میشود که دوفتر میتوانند در آن جای گیرند، بنا باقوال مختلف که صحت و سقم آن معلوم نیست تاکنون تعدادی ظروف زرین موسوم به هاون از حصار قلعه بدست آورده‌اند.

قلعه ایرج بشکل مربع مستطیل است و با خشت و گل ساخته شده و دارای برج‌های دفاعی میباشد که از یکدیگر قریب سی متر فاصله دارد بقعیده دیولافوآ که از این قلعه بازدید کرده قلعه ایرج از نظر ساختمان و سبک آن شباهتی به ابنیه اسلامی ندارد و متعلق بدوره ساسانی است و از برج و باروی شهر زری قدیمیتر است و محیط آن را هفت تا هشت کیلومتر نوشته است. این قلعه چون بر سر راه کاروان‌رو قرار داشته سابقاً اهمیت نظامی خاصی را دارا بوده است. در اطراف آن خندق عمیقی بوده که اکنون با تراکتور هموار شده و زمینهای مزروعی را تشکیل میدهد مسلماً اگر داخل این خندق را آب میانداختند دسترسی بقلعه بهیچوجه ممکن نبود.

خشت‌های مربع شکلی که در بنای این قلعه بکار رفته و اکنون برخی از آنرا بیرون می‌آورند بطول ۶۰ سانتیمتر و پنجمت ۲۵ سانتیمتر است و وزن بعضی از آنها به ۶۰ کیلوگرم میرسد.

در کتاب راهنمای تاریخی وزارت معارف اظهار عقیده

۱۵ - نگارنده توانست است در داخل بنا کاشیهای کوچکی برنگهای آبی سیر و سفید و لیموئی تشخیص دهد.



قسمتی از دیوار داخلی امامزاده یحیی ورامین



برج علاءالدین ورامین .

شده است که برجهای قلعه گبری ظاهراً مقارن حمله مغول ساخته شده است. برای مشروب ساختن اراضی قلعه از یک رشته قنات موسوم به آجریس استفاده میکنند که مقدار آبش در تابستان در حدود پنج سنگ و در زمستان دوسنگ میباشد و دیگر شاخه کوچکی از رودخانه جاجرود وارد قلعه میشود که در زمستان و بهار آبش بس سنگ و در تابستان به شاترده سنگ میرسد.

چندین خانوار که بیشتر از ترکهای آذربایجان و اعراب کنشی میباشدند در پای قلعه سکونت دارند و شغل عمده آنان دامپروری و کشاورزی است.

تا سال ۱۳۴۳ اراضی قلعه و اطراف آن متعلق بیکی از شاهزادگان قاجار بود و از آن تاریخ بین افراد ساکن همین قلعه و کشاورزان نواحی مجاور تقسیم شد.

دیوارهای قلعه ایرج بر اثر عوامل فرسایش مرتباً از ارتفاعش کاسته میشود و گاهی اوقات هم زارعین برای تقویت اراضی خود از خاکهای پر قوت دیوار استفاده میکنند و این امر در نابودی آن تسریع خواهد کرد و شکافهای عظیم و سوراخهای متعدد دیوار پناهگاه خوبی برای حیوانات وحشی از قبیل کفتار و گرگ و شغال و روباه است...

ندارد بنای آن از دو قسمت متصل بهم تشکیل شده. قسمت اول که دارای کاشیهای زیبایی است در جلو و قسمت دوم که مقبره در آن قرار گرفته در عقب آن بوسیله در کوچکی باولی مربوط است و کاری همه بنا و گنبد، کاهگلی است و هیچگونه تزیینی ندارد. در ایام محرم فقط در این بقعه مراسم مذهبی برگزار میشود و در سایر مواقع در ورودی آن قفل است. وقتی وارد بقعه میشود بقایای محراب زیبایی از کاشی معرق لاجوردی و فیروزهای رنگ جلیب نظر مارا میکند البته قسمت زیادی از این کاشیها از بین رفته و یا در شرف نابودی است. اطراف محراب را اگر هم کاشیکاری بوده با گچ و آهک پوشانیده اند، در بالای محراب کتیبه‌ای بوده که قسمتی از آن از بین رفته و بقیه هم چندان خوانا نیست و فقط این کلمات «دخل المؤمنین» قابل تشخیص است.

اداره باستانشناسی هنوز توجهی باین بنا و کاشیهای ذیقیمت آن ننموده است. سبک معماری بنا شبیه برج علاءالدین و مسجد جامع است بنابراین محتمل است که در دوره مغول ایجاد شده باشد.

ز - مقبره سید فتح الله

در شمال نارین قلعه و نزدیک خیابان اصلی ورامین واقع شده و اکنون هیچگونه اثری که مؤید قدمت آن باشد جز يك کتیبه کوچک در بنا وجود ندارد، درون صحن بقعه را با آهک سفید کرده اند شاید کاشیهای قدیمی یا کتیبه‌ای در زیر آن پنهان شده باشد که فعلاً بی چشم نمی خورد. بهر حال همان کتیبه کوچک هم که روی در ورودی بقعه قرار دارد کمکی به شناسائی بنا و سابقه آن نمی نماید.

در مجاورت این بقعه مسجد کهنه‌ای قرار داشت که تا هشتادسال قبل هنوز برپا بود و بتدریج در نتیجه عدم توجه سرعت رو بویرانی رفت و در حدود بیست سال قبل باقیمانده بنا را هم مردم خراب کرده و بجای آن مسجد جدیدی ساختند. در کتاب مرآت البلدان راجع باین مسجد کهنه مطالبی باین شرح نوشته شده:

«این مسجد مسقف بوده و حالا همان جدار باقی و سقف ریخته و قبرستان است و در يك ضلع این مسجد مقبره سید فتح الله است، در سنه ۸۹۹ هجری این مسجد بنا شده محرابی از آثار این مسجد باقیست و با کاشی معرق بسیار اعلی آیه شریفه و انزل فی قلوب المؤمنین تا آخر آیه مکتوب است و در داخل محراب در سه ضلع لا اله الا الله الملك الحق المبین محمد رسول الله صادق الامین علی ولی الله امیر المؤمنین بخط ثلث کتیبه شده است.»

۵ - نارین قلعه

در داخل شهر ورامین قلعه‌ای با دیوارهای بلند دیده میشود که اکنون رو بویرانی است و برخی از قسمتهای آن فاقد دیوار بوده در میان خانههای کاهگلی و آجری شهر کمتر بی چشم می خورد. مردم ورامین آنرا ایرج نارین مینامند. مؤلف مرآت البلدان فاصله آنرا تا مسجد جامع در حدود ۱۵۰۰ قدم ذکر کرده ولی کمتر بنظر می آید. مورخان و نویسندگان قدیم از این قلعه کمتر نام بردند در سفرنامه دیولانوا راجع باین قلعه مطالبی بدین شرح مذکور است:

«در خود دهکده ورامین ارگ خرابی است که تا اندازه‌ای محفوظ مانده و مسلماً در طرز دفاعی قدیم مفید بوده است.»

محتمل است که ارگ مرکزی شهر و مقر حکمران ورامین همین نارین قلعه بوده است.

و - بقعه شاهزاده حسین

بقعه شاهزاده حسین که اهل محل سیدشاه حسین مینامند در مشرق ورامین واقع شده و تاجاده اسفالت چندان فاصله‌ای

مقبره كوكب الدين در مجاورت خيابان اصلي ورامين واقع شده است تاچندی قبل اثری از كتيبه يا گچبري در اين بنا بنظر نميرسيد ولي بتازگی كتيبه سردر آنرا از زیر كاهگل وآهك بيرون آورده اند . در اين بقعه سمنگ قبر قدیمی وجود دارد كه اولی متعلق بدوره تسلط افغانه بر ايران است در روی اين سنگ پس از ذكر اسامي چهارده معصوم از حاج محمد نصير نامی از مردان سرشناس ورامين در سال ۱۱۴۲ هجری قمری نام ميبرد كه بدشت افغانه بقتل رسیده وآنگاه اين شعر اميآورد:

بزر تر تیغ افغان گشته مقتول
بی حسرت كه بودش بر دل و جان

سنگ نبشته قبر دوم كه تاريخ ذیحجه سنه ۱۱۷۷ هجری قمری یعنی دوره سلطنت كريمخان را نشان ميدهد متعلق باقا محمد و ولد محمد باقر است در اين سنگ اين چند بيت ذكر شده است :

در يفا كه شد تند باد خزان فرو ريخت سرو نهال محمد
روان مرغ روحش ز ملك بدن ز شوق بهشت و جمال محمد
الهی مكن نااميدش ز لطف بحق محمد و آل محمد
سنگ قبر آخری سنه ۱۲۲۱ هجری یعنی زمان سلطنت فتح عليشاه قاجار را نشان ميدهد .

در جوار بقعه كوكب الدين مسجد عتيقی بود كه اكنون اثری از آن برجای نيست و بجای آن در سال ۱۳۴۴ خورشيدی دبیرستان دخترانه كوروش كبير ايجاد شده است .
مرحوم صنيع الدوله مؤلف مرآت البلدان راجع باین مسجد مینويسد : «مسجد دیگری هست در ورامين خراب و كتيبه ها بخط ثلث دارد كه خوانده نمیشود و در يك قسمت از كتيبه ها لفظ المسجد شريف ديده میشود و درست ديگر سنه هفتصد و هفت پديدار است صحن مسجد را حالا قبرستان كرده اند اهل بلد گویند اینجا مقبره كوكب الدين است .»

ط - امامزاده جعفر

بقعه امامزاده جعفر تقريباً در فاصله ۹ كيلومتری جنوب شرقی ورامين واقع شده و در مشرق قصبه معتبری بهمن نام قرار گرفته است^{۱۱} برای وصول به بقعه از بازار سرپوشيده اين قصبه آباد بايد گذشت . بنای مقبره چون بر روی دامنه تپه های مرتفعی قرار گرفته از فواصل دور گنبد عظيم دوپوشه آبی رنگ آن بخوبی مشاهده میشود .

شالوده اصلي بنا در زمان شاه طهماسب صفوی ريخته شده و در دوره سلطنت شاه عباس كبير نسبت به تعمير و مرمت آن اقدام گشته است . قديمترين تاريخی كه در اين ساختمان موجود است تاريخ ضريح روی مرقد است كه سال ۹۹۴

هجری را نشان ميدهد .

در قسمت ايوان وسطح فوقانی آن اشعاری بخط نستعلیق سفيد بر كاشی خشت لاجوردی بنام فتحعليشاه ديده میشود .
آخرين بيت اين اشعار از اينقرار است :

كلك صبا رقم زد از بهر سال تاريخ

بنیاد شد ز دارا اين بارگاه جعفر

كه بحساب ابجد سال ۱۲۲۷ هجری است كه تاريخ تعمير بنا است .

در زمان قاجار به اين امامزاده بسيار مورد توجه بوده و یکی از زيارتگاههای مهم محسوب ميشده است .

اكنون نيز مردم از سراسر ورامين و نواحی ديگر برای زيارت اين امامزاده مخصوصاً در ايام محرم و صفر میشتابند .
در سفرنامه ديولافوآ راجع باین امامزاده مطالبی بشرح زیر مندرج است :

«امامزاده جعفر از نظر اهالی اهميت و احترام زيادی دارد و در سه فرسخی دهكده ورامين واقع شده امروز در ساعت ۲ بقصد ديدن اين امامزاده حرکت كرديم چون هوا روشن و صاف بود و از دور نقطه آبی رنگی در روی تپه ای پديدار شد يقين كرديم كه اين نقطه همان گنبد امامزاده است بنا بر اين از چاربادار باشی باهوش جدا شده بتاخت و تاز برداختيم و داخل دهكده شدیم كه در وسط آن مسجدی بود كه در ختان سرو بلندبالائی آنرا احاطه كرده بودند اين درختان هم مانند همان سروهای قبرستان اسلامبول شكوهی داشتند اصل بنای امامزاده از زمان شاه عباس است و در محل نشاط انگیزی واقع گرديده است ولی از نظر هنر و فنون معماری جالب توجه نيست»

منابع

- ۱ - سفرنامه مادام ديولافوآ
- ۲ - سلسله راهنمای تاريخی وزارت معارف (از قمرشيرين)
- ۳ - مرآت البلدان جلد چهارم تأليف صنيع الدوله
- ۴ - سفرنامه كلاويخو
- ۵ - جغرافياي تاريخی تهران وری نوشته سرتيب پكرنگيان
- ۶ - جغرافياي سياسی ايران تأليف مسعود كيهان
- ۷ - جغرافياي تاريخی ايران - لسترنج انگليسی
- ۸ - جهانگردی در ايران - لرد گرزن
- ۹ - جغرافياي تاريخی ايران - خانيسكف
- ۱۰ - فهرست بناهای تاريخی و اماكن باستانی ايران - سازمان ملی حفاظت آثار باستانی
- ۱۱ - تاريخ صنايع ايران تأليف دكتور ج كريستی و پلسن ترجمه عبدالله فريار ۱۳۱۷
- ۱۲ - نام ديگر آن پيشوا است .